



تأثیر خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه های قاجاری خرم آباد و اردبیل**

سودابه محمدزاده^۱ ID، حسین سلطان زاده^۲ ID*، امیرمسعود دباغ^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. smohammadzadeh83@gmail.com
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی، استاد گروه معماری، دانشکده معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. soltanzadeh@iauctb.ac.ir
^۳ دکتری تخصصی، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه سوره، تهران، ایران. Dabagh@soore.ac.ir

چکیده

موقعیت مکانی مطبخ در هر خانه‌ای، بیان‌کننده خصوصیات فرهنگی ساکنان و نوع باورهای آن‌ها به حریمیت و حجاب است. این مقوله میزان و شیوه ارتباطات اجتماعی آنان را مشخص می‌کند. بنابراین باید گفت بین هویت فضایی و جنسیت نوعی ارتباط وجود دارد. بررسی این موضوع در خانه‌های تاریخی مربوط به دوره قاجار در شهرهای خرم‌آباد و اردبیل می‌تواند به نوعی پیشینه تاریخی این مسئله را روشن سازد. نوع این پژوهش کیفی است و از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها اسنادی و میدانی می‌باشد. مبانی نظری تحقیق بر این نکته استوار است که حریمیت و جنسیت در شکل‌گیری فضاهای گوناگون در خانه به خصوص مطبخ که عمدتاً مکان استقرار زنان و حضور آن‌ها بوده، تأثیر داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چگونه ساختارهای فرهنگی متفاوت در دو شهر خرم‌آباد و اردبیل باعث ایجاد تفاوت‌هایی در سبک چیدمان فضاهای داخلی به خصوص مکان مطبخ شده است؛ در شهر اردبیل مطبخ‌ها در زیر زمین ساخته شده است و از دید نامحرمان به دور و فقط افراد حاضر در مطبخ دید به محیط بیرون داشته‌اند، در حالی که در شهر خرم‌آباد مطبخ در کنار حیاط قرار داشته است و موضوع حریمیت و دور از دیدرس بودن آن مانند مطبخ‌های اردبیل مطرح نبوده است.

اهداف پژوهش:

۱. تدوین راهبردهای کلان اصلاح فرآیند تولید مسکن در شهر اردبیل و خرم‌آباد به منظور تسهیل امکان بروز انطباق میان مسکن و سبک زندگی مردم عام.
۲. تبیین میزان تأثیرگذاری نقش جنسیت در شکل‌گیری مسکن در شهرهای اردبیل و خرم‌آباد.

سؤالات پژوهش:

۱. بازتاب جنسیت و سبک زندگی در معماری خانه‌های قدیمی اردبیل و خرم‌آباد چگونه است؟
۲. آیا جنسیت در نقشه‌های خانه‌های مربوط به دوره قاجار تأثیرگذار بوده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۴۴۵ الی ۴۶۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

سبک زندگی،

محریمیت،

جنسیت و فضا،

مطبخ،

خانه های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل.

ارجاع به این مقاله

محمدزاده، سودابه، سلطان زاده، حسین، دباغ، امیرمسعود. (۱۴۰۰). تأثیر خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه های قاجاری خرم آباد و اردبیل. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۴۴۵-۴۶۱.



<https://dorl.net/dor/20.100/1.1.1735708.1400.18.44.27.2>



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.334456.1907

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری/ پایان نامه "سودابه محمدزاده" با عنوان "تأثیر خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه های قاجاری خرم آباد و اردبیل" است که به راهنمایی دکتر "حسین سلطان زاده" و مشاوره دکتر "امیرمسعود دباغ" در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه "دانشگاه آزاد اسلامی" واحد "واحد تهران مرکزی" ارائه شده است.

مقدمه

مسکن که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده، تنها یک ساختار کالبدی نیست؛ بلکه پدیده‌ای فرهنگی می‌باشد و هدف آن ایجاد یک واحد اجتماعی سنتی، براساس نیازهای کاربران در شرایط تکنولوژی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران بوده است و بدون آگاهی و شناخت از آن‌ها، محیط‌های سنتی قابل درک نخواهند بود. از سوی دیگر، مفهوم مسکن به‌عنوان کانون زندگی خانوادگی برای انسان در زمان و مکان، همواره مختلف بوده و این مفهوم تابع انتظارات و توقعات ساکنان و پاسخ به آن بوده است. تنوع الگوهای مسکن و معماری برگرفته از عوامل طبیعی، تاریخی، جغرافیایی، فلسفی، دینی، هنری و زیبایی‌شناسی انسان‌هایی است که در یک بستر تاریخی طولانی، آن‌ها را پدید آورده‌اند. مسکن در زمان و مکان و محیط‌های مختلف معانی متفاوتی داشته، هر جامعه به فراخور نیازها، استعدادها، امکانات و محدودیت‌ها اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش شکل خاصی بدان بخشیده است. در شکل‌دهی هویت جنسیتی، عوامل متعددی شرکت داشته‌اند که می‌توان به عوامل طبیعی (محیط جغرافیایی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند عقاید و باورها و آموزه‌های دینی و آداب و رسوم قبیله‌ای اشاره نمود. هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی در جامعه سنتی گذشته ایران، فضای درونی خانه را متعلق به زنان و فضای عمومی خارج از خانه را متعلق به مردان می‌داند. به گونه‌ای که محدوده امن زنان ایرانی در قرون گذشته و حتی هم‌اکنون در برخی از شهرهای کهن ایرانی، فضای خانه و فضای نیمه خصوصی چند خانه، بن بست‌ها و هشتی کوچه‌های فرعی بوده است. هویت زن در فضای خصوصی تعریف شده است و نقش وی در جامعه مختص به خانه داری و تربیت و باروری فرزند بوده است.

میزان و نحوه ی تاثیرپذیری "هویت جنسیتی" بر "هویت فضایی" با توجه به اقلیم هر منطقه و شرایط محیطی، تشدید و یا تضعیف گردیده است. به گونه‌ای که در اقلیم گرم و خشک کویری، به دلیل نیاز به فضاهای درون‌گرا، حائل‌های فضایی گسترده‌تر شده، در مقابل در آب و هوای سرد و کوهستانی شهرهای شمال غربی ایران، نیاز به بسته بودن هوا در فضای داخلی، منجر به افزایش این حائل‌ها و تبدیل آن‌ها به مرزهای پر رنگ جنسیتی گردیده است. علاوه بر آن، تفاوت بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی، کار بیرون و کار درون خانه و تقسیم نقش خانگی و نقش اجتماعی در شهرهای شمال غربی بیشتر از شهرهای نقاط دیگر دیده می‌شود؛ برای مثال حضور زنان در فضاهای عمومی شهرهای شمال غربی ایران در قامت‌وار در زمین‌های کشاورزی و انواع دیگر کارها برای تامین مخارج خانواده امری غیر قابل پذیرش بود. همین امر، شاید مرز میان حوزه عمومی و حوزه خصوصی و ممنوعیت ورود به حوزه عمومی را در ذهن زنان این مناطق به وجود آورده بود. شیوه معیشت خانواده نیز بر شکل‌گیری "هویت جنسیتی" و نقش آن در "هویت فضایی" تأثیرگذار است. زمانی که زنان مشارکت اقتصادی با مردان ندارند، از نظر موقعیت شرایط متفاوتی دارند. حقیقت این است که زنانی که در مناطق شمال غرب زندگی می‌کنند نسبت به دیگر زنان در مناطق دیگر (خرم‌آباد) موانع بیشتری را داشته‌اند؛ از جمله این موانع میتوان به موقعیت آب و هوایی، اوضاع اجتماعی آن دوره، تعصبات قومی و مذهبی و ... اشاره نمود. حقیقت دیگر آن است که زنان ساکن جنوب غربی ایران (زاگرس نشینان)، طبق رسوم و آیین پیشین در کارهای خارج از منزل فعالیت داشته‌اند؛ اموراتی مانند: دامپروری، شکار، اسب سواری، چوپانی و غیره. که بعدها این طبع برابری را به زنان معاصر هم انتقال داده و شاهد نمونه‌های برجسته ای از زنان شاخص خرم‌آباد هستیم که در جنگ‌ها و میادین مبارزه پای به پای مردان نقش داشته‌اند و این طرز فکر باعث

شده که زنان این منطقه (خرم آباد) محدود و محصور نباشند. تبعیت از فرهنگ مردم منطقه سبب گشته تا خانه‌های سنتی از ابهام و پیچیدگی در چیدمان فضایی برخوردار نبوده و بسیاری از اتاق‌ها مشرف به حیاط و یا معبر بوده و بدون واسطه با آن‌ها ارتباط داشته‌اند. به نظر می‌رسد انسان که به دو گونه بر مبنای جنسیت تعریف می‌گردد، از مساحمه و ملایمت بیشتری برخوردار است. در نتیجه می‌توان بر اساس تعامل آزاد میان مردم لرستان، در معماری مسکونی نیز از تمامیت خواهی مردسالارانه نشان‌های کمتری یافت و کنش‌هایی را که بر مبنای خصایص ویژه مرد شکل گرفته و بر معماری اثر گذار است، در شرایط حداقلی ملاحظه نمود. که این نکته در جامعه اردبیل به واقع به صورت بالعکس مشاهده می‌گردد. این در حالی است که در استان اردبیل زنان تنها برای رفع نیازهای مهم از منزل خارج شده و در هیچ یک از فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه مشارکت ندارند.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا نوشتار حاضر بر آن است تا به روش توصیفی و و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به بررسی این موضوع بپردازد.

۱. معماری و جنسیت

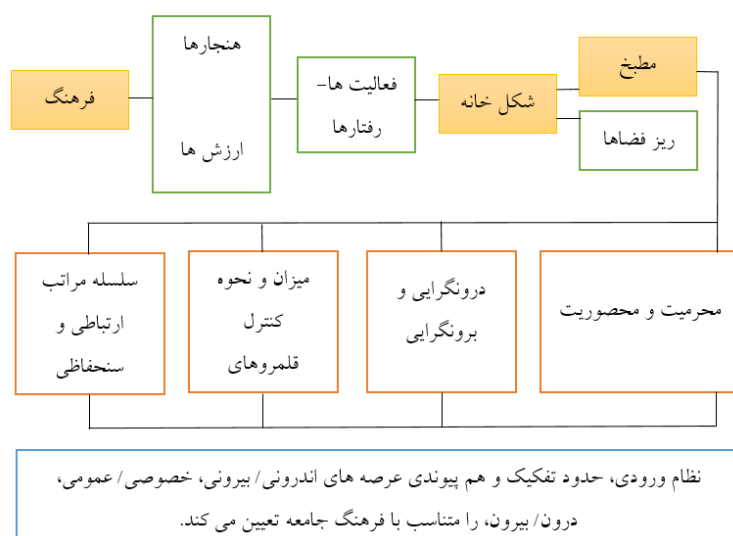
به طور کلی، با نگاهی به معماری مسکونی گذشته، حرمت زنانگی فضاها را می‌توان درک کرد. بزرگ‌تر بودن مطبخ از اتاق خواب، باز شدن پنجره‌ها رو به حیاط، دیوارهای بلند، وجود فضاهای اندرونی و بیرونی بر این موضوع صحنه می‌گذارند. «می‌توان گفت شاخص ارزشی معماری ما، در توجه به کارکردهای نظام جنسیتی، احترام به خواسته‌های جنسیت‌ها و فضاهایی با عملکردهای مناسب زندگی بوده است» (حق لسان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰). «در پیکربندی مسکن سنتی، فضاهایی که به طور زنانه جنسیت داده می‌شدند شامل: فضای مطبخ، اتاق مخصوص پخت نان و فضاهای جانبی آن، و نیز فضاهایی با نام "گوشواره" بودند که به صورت بالکن در طرفین تالار یا شاه نشین طراحی می‌شدند و محلی برای استقرار زنان جهت تماشای مراسمی بودند که در تالار اجرا می‌شد؛ مانند آن چه در خانه بروجردی‌های^۲ کاشان و خانه قدکی^۳ تبریز وجود دارد. این مصادیق، بیانگر توجه معمار سنتی به لزوم تفکیک فضایی بر اساس فرهنگ حاکم بر جامعه و طراحی متناسب با آن است» (سیراد، ۱۳۹۵: ۴۴).

موضوع جنسیت و معماری مبحثی پیچیده است و در حال حاضر کسانی که در معماری به مقوله ی جنسیت توجه دارند از پیروان جنبش برابری طلب زنان در سایر زمینه‌ها الهام می‌گیرند؛ زیرا مطالعات پایه در رابطه با موضوع جنسیت متعلق به این گروه بوده و اشاره به مطالعات آنان اجتناب‌ناپذیر است (کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). رژماین تیلیون^۴، مردم شناس فمینیست^۵ فرانسوی و از فعالان این حوزه، در خصوص نابرابری جنسیتی می‌نویسد: «محیط کوچک و بسته خانواده، سرسختانه می‌کوشد تا شخصیت‌اش را در میان بیگانگان، حفظ کند. از این رو برای آن که آیین پرستش و تبار مردانه، ادامه یابد و در انتقال نطفه ی مقدسی که ارثیه نیایی است که خانواده به نامش خوانده می‌شود، دمی وقفه پیش نیاید، زنان را هر چه تنگ تر، مهار و دربند می‌کنند» (تیلیون، ۱۳۹۰: ۶۳). روزه باستید^۶، مردم شناس و جامعه‌شناس فرانسوی، در کتاب "هنر و جامعه"، یکی از علل ظهور معماری درون‌گرا را نحوه پوشش زن در مناطق گرم می‌داند که در کنار سایر عوامل موجب پدیداری این نوع معماری بوده است. «آب و هوای خشک

این سرزمین‌ها، هجوم قبایل کوچ‌نشین به شهرها، اعتقادات دینی مبنی بر محفوظ نگاه داشتن زنان از نگاه نامحرم، از طریق محصور کردن محیط اندرونی با دیوارهای بلند در معماری این گونه سکونت گاه‌ها دخالت داشته است» (باستید، ۱۳۷۴: ۳۲۹). از این رو فرهنگ لباس مردم خرم آباد و فضاهای رو به حیاط معماری آن در تطابق با اردبیل، باز تعریفی بر معماری نیمه برون‌گرا بوده است. حال آنکه با توجه به پوشش زنان اردبیل و معماری پیچیده خانه‌ها و وجود دالان‌ها و هشتی‌ها می‌توان چنین بیان کرد که معماری درون‌گرایی داشته‌اند.^{۱۸}

۲. ارتباط فرهنگ و شکل خانه

چارچوب نظری این تحقیق بر آن است که فعالیت‌ها، رفتارها، شیوه‌های زندگی و بازتاب آن در معماری را در موقعیت‌های زمانی و مکانی ویژه بررسی نماید. گیدنز^۷ درباره ارتباط فرهنگ و آداب و رسوم می‌نویسد: «آداب و رسوم، آن دسته از کنش‌هایی هستند که به واسطه آدابی نمادین یا آیین‌های مردمی منتقل می‌شوند و تکرار آن به منزله بازآموزی فرهنگ است» (Giddens, 2007, p. 965). راپاپورت^۸ معتقد است زمانی که ساختن یک خانه، پدیده‌ای فرهنگی است، کالبد و فضای آن از محیط فرهنگی آن منطقه، تأثیر می‌پذیرد. از نظر او خانه، یک فعالیت فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است (مداحی و معماریان، ۱۳۹۰: ۶۱). فرهنگ به مؤلفه‌های خردتری تقسیم می‌شود. او درباره مناسبات اجتماعی می‌نویسد: «در جوامعی که محل دیدار و برخورد انسان‌ها خانه می‌باشد، ساختار خانه باید به این نیاز پاسخ دهد، در صورتی که در جوامع دیگر بخشی از مجموعه مانند کوچه یا میدان مکان ملاقات را به وجود می‌آورند در این صورت خانه ساختار دیگری خواهد داشت» (Rapoport, 2009, p. 113). به هر حال، «آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این است که انسان‌ها چگونه و در کجا با یکدیگر ملاقات می‌کنند. زیرا چگونگی برخورد و ملاقات است که بر ساخت و شکل خانه تأثیر می‌گذارد نه صرفاً ملاقات» (Rapoport, 2009, p. 114). از دید راپاپورت، سبک زندگی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معانی می‌باشد که چستی و چگونگی مفهوم خانه را برای یک گروه یا قوم و ملت را تعیین می‌کند که در واقع زیر مجموعه‌ای از کلیت فرهنگ جامعه است (ورمقانی و سلطان زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۱). «آداب و رسوم که یکی از لایه‌های فرهنگ می‌باشد، ایده‌هایی را در بر دارد که شناخت ریشه‌های اندیشه و تفکر جوامع و چگونگی موقعیت‌های فرهنگی را نمایان می‌کند» (Rapoport, 2005, 95-103). نمودار ۱، متغیرهای مرتبط با فرهنگ و شیوه اثرگذاری آن بر شکل خانه را شرح می‌دهد.



نمودار ۱: ارتباط فرهنگ و شیوه شکل‌دهی به خانه مبتنی بر تحلیل چارچوب نظری تحقیق

راپاپورت چنین بیان می‌کند که خانه و سکونتگاه‌ها توصیفی فیزیکی از اشتراکات اجتماعی هستند و تاکید و توجه به این موضوع که انسان‌ها چگونه از فضاهای زندگی در رسوم روزمره استفاده می‌کنند، را نکته‌ای کلیدی می‌داند، که می‌تواند معانی نهفته در محیط‌های زندگی آن‌ها را آشکار نماید (کیائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۸). وی با هدف آگاهی از ساختار کلی فرهنگ و عوامل تأثیرگذار آن بر محیط‌های ساخته شده آن را به اجزایی تقسیم می‌کند، او با آگاهی از این موضوع که تجزیه فرهنگ در سطوح کلی هنوز قابلیت ارتباط با محیط را ندارد پیشنهاد خود را ارائه داده است و اظهار می‌دارد که این روش به هر حال درک عمومی از ماهیت کل نگر فرهنگ و اجزای کلی تشکیل دهنده آن را تا حدودی ارتقاء می‌بخشد (الهی‌زاده و سیروس، ۱۳۹۳). در این روش بخش‌هایی از محیط با اجزایی از فرهنگ نظیر، جهان بینی، ارزش‌ها، تصورات، هنجارها، روش زندگی و سیستم‌های فعالیت می‌تواند در ارتباط نزدیک قرار گیرد. از نظر راپاپورت خانه پیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکردی چند بعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی، و از آن جا که ساخت خانه، خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است (وحدت‌طلب و حیدری، ۱۳۹۸، ص ۴۶۲). راپاپورت (۲۰۰۵) و الیور^۹ (۲۰۰۶)، زمینه‌های فرهنگی را به عنوان عامل مؤثری در شکل‌گیری معماری بومی می‌دانند و همان گونه که راپاپورت (۲۰۰۹) بیان داشته است، فضا دارای معنی است (Marcus, 2006). گروت و وانگ^{۱۰} (۲۰۰۲) نیز بر لزوم توجه طراحان محیط به وجوه اجتماعی فرهنگی تاکید کرده‌اند. از این رو، «الگوی سازماندهی فضا، به منظور فهم ارتباط بین طراحی فضاهای ساخته شده و ابعاد فرهنگی متعاقب آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد» (Nopadon, 2001).

لارنس اظهار می‌دارد که منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتار فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون‌مندی و قواعد معمول پدید می‌آید، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند از

فضاها بسیار سودمند باشند» (Lawrence, 1987). خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها و انتظام فضایی آن‌ها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکن در آن‌هاست (Marcus, 2003). گیفورد در بررسی فرم خانه، در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده کرد که «میزان تقسیم بندی داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی-سیاسی در آن فرهنگ دارد» (Gifford, 1998, p, 85).

۳. تفاوت‌های فرهنگی در خرم‌آباد و اردبیل عصر قاجار و تأثیر آن بر مسکن

شیوه و سبک‌های زندگی، آداب و رسوم ملاقات با یکدیگر و مذهب از مهم‌ترین رفتارهای فرهنگی است که اثری عمیق بر معماری می‌گذارد (امینی و سلطان زاده، ۱۳۹۶). برای یافتن تأثیر فرهنگ بر شکل معماری خانه، لازم است خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و معیشتی در بستر زمانی مورد نظر بررسی شود (اریاب معروف، ۱۳۹۶). در رابطه با خصوصیات سبک زندگی، می‌توان چنین بیان کرد که تفاوت در شیوه‌های زندگی که بر معماری مردمی اثر می‌گذارند، خود برگرفته از عواملی است که یکی از مهم‌ترین آنها تفاوت در شیوه‌های معیشت است (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ۴۷).

تحول در معیشت مبنایی بر تغییر در سبک زندگی است که به تبع تحول در زندگی اجتماعی محسوب می‌گردد (جیحانی، ۱۳۹۸). از این رو، نوع فعالیت معیشتی و حیطه اثرگذاری در زندگی جمعی در خرم‌آباد، همپوشی بیشتری نسبت به اردبیل داشته است. یکی از مشاغل اصلی مردمان این دو شهر کشاورزی بوده است به علت خاک مرغوب و حاصلخیزی که داشته‌اند، اما نگاه متفاوت مردمان این دو شهر به این مقوله خالی از بحث نیست. به عنوان مثال نقش سنتی جنسیتی در تأمین معاش در بین خرم‌آبادی‌ها به صورت متقابل و به یکدیگر متکی بود. تفاوت عمده‌ای در زندگی خصوصی و عمومی وجود نداشت و این دو عرصه چندان از هم منفک نبودند. اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در اردبیل، «نیاز به نیروی کار زنان در کشاورزی و باغداری به نیمی از سال منحصر می‌شد؛ به طوری که در این منطقه، برای تأمین معاش باید در اوقاتی از سال به کار کشت گندم و جو و نیز گله‌داری می‌پرداختند و این فعالیت‌ها را مردان انجام می‌دانند» (اوبن، ۱۳۹۰: ۷۸). اما در خرم‌آباد کشاورزی در قالب فعالیت زنانه به تمام اوقات سال مربوط می‌شد و سایر منابع معیشت از قبیل: پرورش دام، گلیم و جاجیم بافی و غیره فعالیت‌های زنانه بود. بنابراین در اجتماع خرم‌آباد، زنان و مردان ارتباط بیشتری با یکدیگر داشته و نیاز به گسترش عرصه‌های خصوصی و حفاظت از آن کاهش می‌یافت. نکته مهم دیگر در خصوص تأثیر معیشت بر الگوهای فرهنگی، می‌توان به تنوع شغلی در خرم‌آباد نسبت به اردبیل اشاره داشت. بازارهای هفتگی این مناطق، فرصتی برای مبادله اقتصادی و اجتماعی میان روستاییان و شهرنشینان بوده است. ارتباط تنگاتنگ و دائمی زنان و مردان لرستانی در قالب همکاری، داد و ستد و فعالیت‌های معیشتی موجب کم رنگ شدن مرز قلمروهای خصوصی-عمومی و زنانه-مردانه در اجتماع و مسکن بوده است. موضوع دیگری که در رابطه با شیوه‌های زندگی ساکنان کوهستان باید دانست، دور بودن نواحی مسکونی شهرها و روستاها از یکدیگر و تعدد اقوام مختلف در منطقه است. به گونه‌ای که در هریک از این جوامع کوچک، سنت و آداب و رسوم خاص و متفاوتی حکم فرما بوده و منجر به تشکیل الگوهای گوناگون در این مناطق می‌شد.

به عقیده فرید^{۱۱}، «در بافت جوامع مادر تبار، زنان اساس ساخت اجتماع را تشکیل داده و سهم مهمی در قدرت و تصمیم‌گیری دارند» (Fried, 1975, p. 97).

«دور بودن هسته‌های مسکونی شهرها و روستاها از یکدیگر دو نتیجه را در پی داشته است. یکی شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها و دیگری دوری خویشاوندان مرد از یکدیگر که مانع از تشکیل اندرونی‌های متعدد برای خویشاوندان مرد می‌شود» (عباس زاده و بهجت، ۱۳۹۹). بنابراین خانواده هسته‌ای و مسکن متناسب با آن، خصوصیت آشکار این مناطق است. در خرم‌آباد، تقسیم نقش‌های اجتماعی بین زنان و مردان، مشارکت آنان در تأمین معاش و شکل‌گیری بازارهای محلی، همگی باعث و انگیزه مبادله خدمات و مصاحبت و معاشرت افراد بوده است. این حقایق اجتماعی، احساس امنیت را برای مشارکت زنان به خاطر حضور بالفعل و بالقوه دیگران، تأمین داشته است.

می‌توان چنین بیان کرد محرمیت یکی از عوامل مهم در شیوه شکل دهی به معماری خانه است (سلطان زاده، ۱۳۷۱: ۵۵). علاوه بر امنیت اجتماعی، عوامل دیگری چون مذهب و تعصب موجب تغییر و تعریفی مجدد بر محرمیت می‌شود (مرادی نسب، ۱۳۹۹: ۵۲). بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی خرم‌آباد نسبت به اردبیل از امنیت بیشتری برخوردار بوده است. هم‌چنین سفرنامه‌نویسان در خصوص مقایسه مذهب و تعصبات مردم خرم‌آباد و اردبیل بیان داشته‌اند که در میان اردبیلی‌ها، اهمیت و توجه به عقاید و باورهای مذهبی بیش از مردم دیگر شهرها بوده است. از سویی، در خرم‌آباد که شناخت افراد از یکدیگر به دلیل پیوندهای اجتماعی قوی، امنیت را فراهم می‌نمود، الزام به ایجاد حریم و مرز کاهش می‌یافت. با آن که «بروز رفتاری که ما آن را تعیین مرز قلمرو یا مالکیت می‌نامیم، در سرشت انسان‌ها وجود دارد؛ انتخاب فاصله‌ای معین بستگی به کنش متقابل، ارتباط افراد و واکنش‌گر، نحوه احساس آن‌ها و آن چه انجام می‌دهند، دارد» (Hall, 2010, p. 151).

در دوره قاجار زنان اردبیلی برای تهیه مایحتاج خود از قبیل خوراک و پوشاک و انجام امورات زنانه مانند آرایشگاه و خیاطی از منزل خارج نمی‌شدند و تمام این امورات در منزل‌های خودشان انجام می‌گرفت (خریدهای خارج از منزل به عهده مردان بوده و برای امور زنانه هم خیاط یا آرایشگر به خانه می‌آمده‌اند) با توجه به اسنادی که به دست آمده زنان در خیابان‌ها به ندرت دیده می‌شده‌اند و فقط در موارد خاص مانند رفتن به عروسی و خانه پدرشان که البته همراه با همسر و فرزندان بوده دیده می‌شده‌اند (صفری، ۱۳۷۷). در حالی که در خرم‌آباد با توجه به اسناد دیده شده زنان در دوره قاجار به راحتی به خیابان‌ها رفت و آمد داشته‌اند و تمام امورات فردی و عمومی خانواده را خودشان پا به پای مردان انجام می‌داده‌اند. و نکته قابل توجه این بوده که بعضی از زنان خرم‌آبادی به عنوان فروشنده هم در بازارهای خرید و فروش حضور داشته‌اند (محمدی اصل، ۱۳۹۷).

۴. تأثیر خصوصیات فرهنگی بر خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل

در این رابطه می‌توان به تعداد زیاد خانه‌های اعیانی اردبیل که منضم به اندرونی و بیرونی هستند در مقایسه با تعداد بسیار کم این گونه خانه‌ها در خرم‌آباد اشاره کرد. در اینجا به ۶ نمونه خانه قاجاری اردبیل و ۶ نمونه خانه قاجاری خرم‌آباد به طور مفصل خواهیم پرداخت^{۱۷} در اینجا به طور مختصر خانه‌ها معرفی شده‌اند و در بخش‌های بعدی به بررسی دقیق عوامل مهم خانه‌ها در قالب جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ پرداخته شده است.

خانه خلیل‌زاده (اردبیل) قاجاری بوده و از نظر معماری جزو بناهای درونگرا محسوب می‌شود که بخش اندرونی آن از بین رفته است. هشتی ورودی ضمن آنکه یک فضای ارتباطی است مانع دید مستقیم از بیرون به فضای درون می‌شود. داشتن شکل فعلی و خط تقارن مرکز از ویژگی‌های پلان بناست که در مرکز آن یک تالار با ارسی هفت دری قرار دارد.

خانه تقوی اردبیل با قدمت قاجار حدود ۸۰ سانتی متر پایین‌تر از سطح کوچه قرار دارد. حیات زیبا خانه تقوی اردبیل با یک باغچه به شکل هشت ضلعی و دو باغچه دایره شکل جلوه خاصی دارد. کل ساختمان خانه تقوی یک طبقه و نیم است تالار خانه تقوی درست در میان ساختمان قرار دارد، پنجره‌هایی با شیشه‌های رنگی و نقش‌های گره بندی بطور زیبا و جالب تزیین شده است. در قسمت پشت تالار دو اتاق بشکل پستو قرار دارند.

خانه آقازاده (اردبیل) در دوران قاجار در زمین مستطیل شکلی به مساحت ۱۴۰۰ متر مربع در دو طبقه ساخته شده است. بخش‌های مختلف عمارت آقازاده اردبیل شامل: دهلیز، تالار اصلی، صندوقخانه، نشیمن، مطبخ، حمام و مخارجه می‌شود. این عمارت دو حیات بزرگ و کوچک دارد. همچنین قسمت اعیانی عمارت به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم‌بندی شده است.

خانه صادقی (اردبیل) در سال ۱۲۸۳ ه. ق ساخته شده و یکی از یادگارهای دوران قاجار به شمار می‌رود، این بنا یکی از مجموعه بناهای سه گانه (خانه مبشری، خانه خادم باشی، خانه صادقی) است که در بافت قدیم، محله اوچ دکان قرار گرفته و دارای سه بخش ساختمانی با سه حیاط است. ساختمان مرکزی کاربری بیرونی و ساختمان غربی کاربری اندرونی داشته و هسته اصلی بنا را تشکیل می‌داد.

خانه ارشادی (اردبیل) در محله اوچ دکان قرار داشته که در بدو احداث دارای کاربری مسکونی بوده و یکی از بناهای تاریخی شهر اردبیل و در اواخر دوره قاجار ساخته شده است. در دوران پهلوی دوم آن را برای استقرار مدرسه به آموزش و پرورش واگذار کردند و در حال حاضر خانه ارشادی تحت نظر میراث فرهنگی قرار دارد. خانه ابراهیمی (اردبیل) در بافت قدیم اردبیل در جوار مجموعه جهانی بقعه شیخ صفی کوچه شهید گاه یکی از یادگاری‌های اواخر قرن ۱۳ هجری قمری در شهر اردبیل به شمار می‌رود. خانه ابراهیمی در حال حاضر تحت مالکیت میراث فرهنگی استان اردبیل است. بنای مذکور با یک هشتی کوچک از معبر کوچه وارد حیاط مستطیلی شده و عمارت اصلی شامل دو طبقه همکف و زیرزمین است و تالار نسبتاً بزرگ و زیبایی دارد.

عمارت نصیری در خرم آباد با قدمت قاجاری، نمونه مشخص از خانه‌های اعیانی خرم آباد، با یک ورودی است و در این خانه، حیاط‌های متعدد وجود ندارد؛ بلکه ساختمان‌ها به صورت منفرد و دورتادور محوطه قرار گرفته‌اند. ورودی‌ها به صورت مستقیم، فاقد مفصل و هشتی و هر گونه عناصر محرمیت است. خانه کشفی (خرم آباد) در محله حکیم‌آباد و در کوچه‌ای به نام کشفی در سرایشی معروف به کوچه کشفی و بناری آقا محمود قرار گرفته و یادگاری مربوط به دوره قاجاری است. این خانه متعلق به شخصی به نام سید محمود کشفی با مساحت ۱۹۲ متر وزیر بنای ۱۰۸ مترمربع در یک جبهه‌ی اصلی در دو طبقه با محوریت شرقی - غربی ساخته شده است این بنای تاریخی از شمال و شرق به خانه‌های موجود در بافت قدیم محله از دو جهت دیگر متصل به گذر و ورودی بنا نیز در جبهه جنوبی بنا واقع شده است.

خانه سلاح ورزی (خرم آباد) با قدمت قاجار دارای یک ورودی مستقیم به حیاط اصلی بوده که بدون مفصل به عرصه خصوصی راه می یابد و یکی از الگوهای رایج در خانه های قاجاری خرم آباد محسوب می شود. علاوه بر ورودی، نحوه طراحی سایر عرصه ها نیز بیانگر ارتباط مستقیم و تداخل قلمروهای خصوصی و عمومی است. دو برابر بودن ابعاد حیاط نسبت به اتاق ها و ایوان عمیق و مرتفع آن که رو به حیاط وسیع قرار دارد، بیانگر اهمیت کارکرد فضاهای باز و نیمه باز نسبت به فضای بسته اتاق ها است.

خانه سادات در خرم آباد با قدمت قاجاری خود را در کوچه ای کم عرض و خصوصی معرفی می کند. نمای خانه، کاملاً سنتی است؛ کوبه های یکسان بر روی لنگه های چپ و راست قرار دارد. ورودی که به حیاط اصلی متصل است که در تعداد اغلب خانه های قاجاری لرستان مشاهده می شود که عمدتاً به طور مستقیم به حیاط اصلی راه داشته و فاقد محریمیت بوده است.

خانه رضوانی در خرم آباد مربوط به دوره قاجار بوده و ۲۲۴ متر مربع مساحت داشته و در محله درب بابا طاهر واقع می باشد. ویژگی های این خانه داشتن سازه آسمانه ترکیبی (طاق و تیرپوش). ساخت مایه آجز و خشت می باشد. خانه دارای یک جبهه مسکونی دو طبقه و میان سرایی در جنوب است. دارای دو اتاق سه دری و یک فضای انباری کوچک است که اتاق ها دسترسی مستقیم به حیات دارند.

خانه آخوند ابو در خرم آباد، خانه قاضی یا آخوند ابو که در محله درب باباطاهر (در بوطار) و گذر معروف آن کوچه باباطاهر قرار دارد؛ این اثر مربوط به دوره اواخر دوره قاجار و متعلق به شیخ ابوطالب قاضی به آخوند ابوطالب (آخوند ابو) معروف است. در دو جبهه مسکونی شمالی و جنوبی به مساحت تقریبی ۷۳۰ مترمربع ساخته شده است و جبهه شمالی بنا که جبهه اصلی بنا است در دو طبقه احداث و فضاهای اصلی خانه را در خود جای داده است و جبهه جنوبی آن نیز شامل چند اتاق، مطبخ، راهرو، سردر و هشتی زیبای خانه است

تمامی این خانه ها متعلق به دوره قاجار بوده و برای قشر مرفه ساخته شده اند وجود دالان ها و ورودی های متعدد، علاوه بر تهویه هوا و تعدیل رطوبت، افزایش کیفیت و شدت جداسازی حریم خصوصی و پذیرایی را نیز به همراه داشته است. در واقع وجود دومین ورودی ناشی از رعایت حریم خصوصی یا جدایی مهمانان بیگانه از اهل خانه است. ورود به عرصه های بیرونی و اندرونی در خانه صادقی^{۱۲}، از طریق دالان متصل به ورودی اصلی صورت می گیرد. به این ترتیب دالان، نقش تفکیک کننده عرصه ها و کنترل قلمروهای زنانه مردانه و خصوصی عمومی را بر عهده دارد. مستوفی می نویسد: «لزوم جدا کردن مسیرها از هشتی به این مسأله باز می گشت که زنان را از نگاه مردان محفوظ دارد تا آن ها در رفت و آمد خود مجبور به عبور از وسط مردان و مهمان ها نشوند» (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۷۵).

مطبخ خانه های اعیانی اردبیل بر تأثیر دو عامل معطوف به فرهنگ اشاره دارد. عامل اول، بستر فرهنگی مذهبی متعصب در اردبیل عهد قاجار است که سفرنامه ها و متون تاریخی به آن اذعان داشته و تعداد زیاد ابنیه مذهبی، امامزادگان و تکایا بازمانده از دوره قاجار در اردبیل، این موضوع را تأکید می کند و عامل دوم موقعیت جغرافیایی و نا امن بودن در آن دوره است. سفرنامه بنجامین در توصیف خانه های اعیانی عهد قاجار دو نکته را ذکر می کند: یکی این که مشتمل

بر باغی با دیوارهای بلند بوده و حالت انزوا داشتند و دوم آن که دارای قسمت‌های جداگانه برای مردان و زنان بودند (Benjamin, 2014, p. 131).

در اردبیل که بر پایه‌ی اعتقادات مذهبی، جدایی و تمایز فضاهای زنانه و مردانه بیشتر بوده است، خصوصی‌گرایی بیش از برون‌گرایی بر شکل و سازمان فضایی خانه تأثیر می‌گذارد. خانه رضازاده^{۱۳} در اردبیل یکی از خانه‌هایی است که به نظر می‌رسد عواملی چون مذهب و شیوه ملاقات با دیگران و نه تمول، بر گستردگی فضاهای این خانه و تفکیک عرصه‌های سکونتی اثر گذارده است. این بنا یک ورودی داشته که با هشتی و دالان منحصر به فردی از حیاط و مجموعه اصلی جدا شده است.







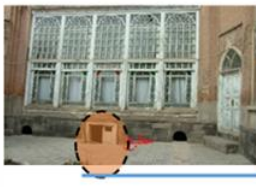
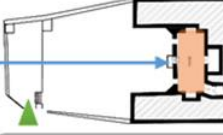







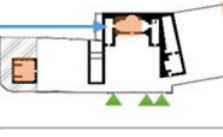



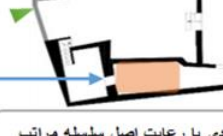

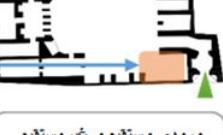

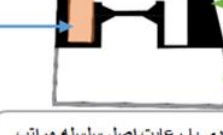
در خرم‌آباد تعامل اجتماعی بیشتر زنان و مردان در قالب داد و ستد، کشت گندم و تأمین معیشت که عموماً در خانه‌های عوام جریان داشت، تعریف کلی فرهنگ در منطقه را تحت تأثیر قرار داده و مرزهای کالبدی و فیزیکی در معماری را نیز تقلیل می‌داد. به این ترتیب نیاز به لایه‌های تو در تو حجاب، دالان‌های تفکیک‌کننده عرصه‌ها و سد بصری که در اردبیل تا حدودی جریان داشت: در این منطقه به تناسب تفاوت‌های فرهنگی با سایر نواحی تضعیف می‌شد.

۵. انواع مطبخ در خانه‌های مورد مطالعه

در معماری سنتی خرم‌آباد و اردبیل، می‌توان مطبخ‌ها را در دو دسته مطبخ‌های زیر زمینی و مطبخ‌های واقع در همکف تقسیم کرد. در اردبیل اغلب خانه‌ها مطبخ‌هایی درون زیرزمین داشته‌اند و در لرستان موقعیت مطبخ مهم نبوده است و اغلب در حیاط در کنار ورودی یا در دسترسی‌ترین نقطه از خانه واقع می‌شده است.

در پژوهش حاضر با انتخاب تعدادی از خانه‌های سنتی در بافت قدیم شهرهای خرم‌آباد و اردبیل، به تحلیل و مقایسه ویژگی‌های شکلی و فضایی خانه‌ها پرداخته می‌شود. جدول ۱ خانه‌های قاجاری مورد مطالعه را معرفی می‌نماید. و در جدول شماره ۲ سعی بر آن بوده است مطبخ، که عاملی مهم برای اهمیت به جنسیت محسوب می‌شود را در دو شهر مورد مطالعه بررسی کرده و موارد همگون و غیرهمگون نشان داده شده‌اند.

جدول ۱: بررسی مطبخ خانه های مورد مطالعه در دو شهر مورد مطالعه. منبع: (نگارندگان)

<p>خانه های قاجاری خرم آباد خانه نمیری و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی یک دالان کوچک و مطبخ در همکف</p>	<p>خانه های قاجاری اردبیل خانه خلیل زاده و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی با رعایت اصل سلسله مراتب و حریمیت و مطبخ در زیرزمین</p>
<p>خانه کشفی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی مستقیم به حیاط و مطبخ در همکف</p>	<p>خانه تقوی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی با رعایت اصل سلسله مراتب و حریمیت و مطبخ در زیرزمین</p>
<p>خانه سلاح ورزی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی مستقیم به حیاط و مطبخ در همکف</p>	<p>خانه آقازاده و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی با رعایت اصل سلسله مراتب و حریمیت و مطبخ در زیرزمین</p>
<p>خانه سادات و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی مستقیم به حیاط و مطبخ در همکف</p>	<p>خانه صادقی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی با رعایت اصل سلسله مراتب و حریمیت و مطبخ در زیرزمین</p>
<p>خانه رضوانی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی مستقیم به حیاط و مطبخ در همکف</p>	<p>خانه ارشادی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی با رعایت اصل سلسله مراتب و حریمیت و مطبخ در زیرزمین</p>
<p>خانه آخوند ابو و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی مستقیم و غیر مستقیم به حیاط و مطبخ در همکف</p>	<p>خانه ابراهیمی و موقعیت مطبخ</p>   <p>ورودی با رعایت اصل سلسله مراتب و حریمیت و مطبخ در زیرزمین</p>

جدول ۲: ویژگی‌های مطبخ در خانه‌های مورد مطالعه

نام خانه	نوع مطبخ	راه دسترسی	مکان مطبخ	عناصر محرمیت	نوع دسترسی	
لرستان	آخوند ابو	آشکار	حیاط اصلی	همکف	دارای دو ورودی که فقط یک ورودی دارای هشتی است	مستقیم و غیر مستقیم
	نصیری	آشکار	حیاط اصلی	همکف	یک راهرو کوچک	مستقیم
	رضوانی	آشکار	حیاط اصلی	همکف	ندارد	مستقیم
	سادات	آشکار	حیاط اصلی	همکف	ندارد	مستقیم
	سلاحورزی	آشکار	حیاط اصلی	همکف	ندارد	مستقیم
	کشفی	آشکار	حیاط اصلی	همکف	ندارد	مستقیم
	اردبیل	صادقی	مخفی	دالان خصوصی	زیرزمین	دالان و هشتی
ابراهیمی		مخفی	دالان خصوصی	زیرزمین	دالان و هشتی	غیر مستقیم
ارشادی		مخفی	دالان خصوصی	زیرزمین	دالان و هشتی	غیر مستقیم
خلیل زاده		مخفی	دالان خصوصی	زیرزمین	دالان و هشتی	غیر مستقیم
تقوی		مخفی	دالان خصوصی	زیرزمین	دالان	غیر مستقیم
آقازاده		مخفی	دالان خصوصی	زیرزمین	دالان	غیر مستقیم

در این پژوهش، چهار لایه فرهنگی از نظریه‌های راپاپورت استخراج و در جامعه لرستان و اردبیل عصر قاجار مورد تحلیل واقع شد. لایه اول که به یکپارچه کردن معماری خانه اشاره کرده است، شیوه زندگی می‌باشد که با شیوه معیشت در ارتباط بوده و تعیین‌کننده میزان و نحوه برقراری ارتباطات اجتماعی و خویشاوندی بوده است. چگونگی ملاقات‌ها و روابط اجتماعی، لایه دوم فرهنگی را در پژوهش حاضر تشکیل می‌دهد. لایه سوم، آداب و رسوم است که در نتیجه تکرار رفتارها و شیوه‌های زندگی شکل می‌گیرد؛ و از لایه چهارم یعنی عقاید و باورهای بومی و مذهبی شکل می‌گیرد. این چهار عامل منجر به شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی نسبتاً متفاوت در خرم آباد و اردبیل شده است (نمودار ۲). هویت اردبیلی‌ها، درونگراتر با تعصبات مذهبی بیشتر بوده که بازتاب آن در شکل دهی به پلان خانه‌ها، در قالب کنترل و تفکیک کالبدی عرصه‌های خصوصی و عمومی نمایان شده است. اما هویت خرم آبادی‌ها برونگراتر بوده که مرزهای نامرئی فضاها و تداخل عرصه‌ها را در پی داشته است. هویت خرم آبادی حاکی بر ارتباطات همسایگی در قالب کار و معیشت که در بین خانواده‌های عوام جریان داشت؛ عامل مهمی در ایجاد الگوی همجواری ورودی با حیاط و حذف مفصل در بدو ورود به خانه است. هم چنین، صلح و آرامش و امنیت، اساسی‌ترین عناصری بودند که بافت روابط اجتماعی و نظام دوستی را در بافت شهری خرم آباد به وجود آورده بودند. اما هویت اردبیلی مبنی بر تسلط عقاید و رسوم مذهبی بر فرهنگ بومی، با بازتعریف و حدودبخشی به این اصول، معماری خاصی را مطابق با فرهنگ بومی به وجود می‌آورد. در خانه‌های اردبیل که تمایل به جدایی‌گزینی بیش از خانه‌های خرم آباد بوده است، حدودی

از جداسازی عرصه‌های زنانه و مردانه مشاهده می‌شود که قطعیت مرزبندی آن‌ها به مراتب بیش از مسکن خرم‌آباد بود. از سویی، مقایسه عمارت‌های خرم‌آباد و اردبیل نشان داد که تلاش برای حراست و حفاظت از قلمروهای مسکونی در نمونه‌های اردبیلی بیش از خانه‌های خرم‌آباد است.

نتیجه‌گیری

ارتباط اجتماعی زنان و مردان خرم‌آبادی در قالب کار کشاورزی و امرار معاش موجب تفاوت شیوه زندگی و خانه‌سازی شده و برونگرایی خانه‌های خرم‌آباد را موجه می‌سازد؛ اما تعصب بیشتر خانواده‌های اردبیلی به مذهب و حجاب، بر شکل خانه تأثیر گذارده و فضاهای معماری را محصورتر ساخته است. ساختار فضایی خانه معطوف به فرهنگ و سبک زندگی آن شهر است. به این معنا که پلان خانه‌های اردبیل به تناسب محصوریت بیشتر خانه، کنترل شده تر از خانه‌های خرم‌آباد است؛ به این ترتیب، در اردبیل با جدا کردن مطبخ، خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی، محرمیت را تأمین می‌کرده است. مطبخ خانه‌های قاجاری اردبیل، به‌طور عمده از نوع مخفی واقع در زیرزمین بوده است، که از طریق دالان به حیاط خانه راه می‌یابد؛ در مقابل، مطبخ بسیاری از خانه‌های خرم‌آباد آشکار واقع در همکف بوده است که به‌طور مستقیم به حیاط اصلی خانه متصل می‌شود. از آن جا که در خانه‌های اردبیل، دالان‌ها و هشتی‌ها و حیاط و بخش خدماتی وجود دارد؛ فرهنگ نقش اصلی و تعیین‌کننده عرصه‌های اندرونی و بیرونی را داشته و برای بخش خدماتی، اغلب ورودی جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شد. اما در خانه‌های خرم‌آباد مانند خانه کشفی^{۱۵}، عمارت به صورت یک دست و یکپارچه درون محوطه قرار دارد و ورودی مستقیماً و بدون عنصر محرمیت به حیاط خانه راه می‌یابد. موقعیت عمومی مطبخ در خانه‌های اردبیل، در زیرزمین یا در انتهای‌ترین نقطه خانه دور از دسترس بوده است؛ و افرادی که درون حیاط حضور داشتند نمی‌توانستند درون مطبخ را ببینند اما حاضران در مطبخ از طریق پنجره‌هایی دید به حیاط داشته و متوجه آمدن محرمان و نامحرمان می‌شده‌اند اما در خانه‌های خرم‌آباد مطبخ‌ها چنین موقعیتی نداشته بلکه مطبخ‌ها در دسترس‌ترین قسمت خانه بوده و همه حاضران در حیاط و مطبخ به یکدیگر دید داشته‌اند.

پی‌نوشت:

1- gender

۲- خانه بروجردی‌ها از آثار تاریخی شهر کاشان است. این بنا که حاج سید حسن نطنزی ساخته‌است در محله سلطان میراحمد واقع است و در نیمه دوم قرن ۱۳ هجری و در زمان قاجار ساخته شده و تحت شماره ۱۰۸۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده‌است.

۳- خانه بهنام یا بهنام گنج‌های یا قدکی بنایی مربوط به سال‌های پایانی دوران زندیان و سال‌های آغازین دوران قاجار است و که تبریز، محله مقصودیه جای گرفته‌است. این اثر در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۷۶ با شماره ثبت ۱۸۵۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است.

4- Germaine Tillion

۵- فمینیسم (به فرانسوی Féminisme): گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های اجتماعی است که به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی است.

6- Roger bastid

7- Giddens

8- Amos Rapaport

9- Paul Oliver

10- Groat & Wang

11- Fried

۱۲- خانه تاریخی صادقی در تاریخ چهارده اسفند ۱۳۸۶ با شماره ثبت ۱۴۴۶۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است که ۳ درب ورودی داشته و از محرمیت بالایی برخوردار است.

۱۳- خانه رضازاده مربوط به اواخر دوره قاجار است و در اردبیل، محله اوچدگان واقع شده و این اثر در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۷۸ با شماره ثبت ۲۵۷۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

۱۴- خانه نصیری خرم آباد مربوط به دوره قاجار بوده و در محله قدیمی پاسنگر شهر خرم آباد واقع است.

۱۵- خانه کشفی مربوط به دوره قاجار است و در خرم‌آباد، خیابان ۲۴ متری حکیم آباد، کوچه کشفی واقع شده و این اثر در تاریخ ۵ تیر ۱۳۸۴ با شماره ثبت ۱۱۹۰۲ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

۱۶- علت انتخاب این دو شهر برای این تحقیق این است که اینجانب (نویسنده اول) اصالتاً خرم‌آبادی بوده و سالیان سال در این شهر زندگی کرده و از نزدیک با آداب و رسوم شهر خرم‌آباد آشنایی داشته و به مدت ۱۰ سال است که به شهر اردبیل مهاجرت کرده و ساکن اردبیل هستم، با توجه به تحقیقات و اسناد به دست آمده به اختلاف بین این دو شهر در مورد جنسیت و محرمیت پی برده و این موضوع را انتخاب کرده‌ام. نکته دیگر، این دو شهر تا حدود بسیار زیادی از لحاظ آب و هوا مشابه بوده‌اند (هر دو شهر کوهستانی و سرد بوده زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل دارند) و در یک دوره زمانی دارای اختلاف‌های زیادی از لحاظ معماری بوده‌اند در صورتیکه در هر دو شهر روابط قومی و طایفه‌ای هم وجود داشته است.

۱۷- با توجه به تحقیقات گسترده متأسفانه از معماران خانه‌های مورد بررسی هیچگونه اطلاعاتی در دست نیست اما با توجه به این نکته که در معماری سنتی بیشتر الگوها مدنظر بوده است تا اینکه معماران شهرهای دیگر پلان‌های مشابه را اجرا کنند میتوان چنین بیان داشت که فرهنگ بیشتر تأثیرگذار بوده است.

۱۸- در مصاحبه هایی که با بانوان اردبیلی و خرم آبادی انجام شد که سن این عزیزان بالای ۸۰ سال بوده، خاطرات کودکی و گفته های مادران شان را بیان کردند که در شهر اردبیل بانوان اجازه خروج از منزل را نداشته و تنها در موارد خاص که در متن به آن اشاره شد اما در مورد زنان خرم آباد این چنین نبوده است. و همین طور لباس محلی زنان اردبیل مانند لباس محلی زنان خرم آباد دارای سادگی و ظرافت بوده است.

جدول شماره ۳ پوشش محلی زنان در دو شهر خرم آباد و اردبیل

لباس محلی زنان اردبیل در دوره قاجار	لباس محلی زنان خرم آباد در دوره قاجار
	

منابع

کتاب‌ها

- اوبن، اوژن. (۱۳۹۰). سفرنامه اوژن اوبن ایران امروز. (ترجمه علی اصغر سعیدی). تهران: نشر علم.
- باستید، روزبه. (۱۳۹۶). هنر و جامعه. (ترجمه غفار حسینی). تهران: نشر توس.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۹). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- تیلیون، ژرماین. (۱۳۹۰). هویت جمعی در شناسایی مصادیق فرهنگ. (ترجمه جلال ستاری). تهران: نشر مرکز.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۱). فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیراد، آیرین. (۱۳۹۵). در خانه؛ انسان‌شناسی فضای خانگی. (ترجمه غزنویان و دیگران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- صفری، بابا. (۱۳۷۱). اردبیل در گذرگاه تاریخ (سه جلد). اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- محمدی اصل، محمد. (۱۳۹۷). گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی خرم آباد (سبک معماری لری). خرم آباد: شاپورخواست.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۶). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: نشر کتاب هرمس.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: نشر شیرازه.
- میل، جان استوارت. (۱۳۷۷). کنیزک کردن زنان. (ترجمه خسرو ریگی). تهران: نشر بانو.

مقالات

- الهی زاده، محمدحسن و سیروس، راضیه. (۱۳۹۳). «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، فصلنامه سبک زندگی دینی. ۱۱(۱)، صص. ۴۲-۴۸.
- امینی، امیر حسین و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). «بررسی تحلیلی پیرامون بحران معماری و شهرسازی و پدیده شناسی گونه‌های خانه». فصلنامه مدیریت شهری، ۴۶، صص. ۹۴-۷۸.
- پوردیهمی، شهرام. (۱۳۹۰). «فرهنگ و مسکن». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳۴)، صص. ۳-۱۸.

جیحانی، حمیدرضا؛ عمرانی پور، علی، رجبی، فاطمه، و عالمی، بابک. (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی دوره قاجاریه نراق». ۳۸ (۱۶۷)، صص. ۱۱۵-۱۳۰.

حق لسان، مسعود؛ ایرانی، مهری و نیکنام، سودا. (۱۳۹۹). «مطالعه سیر تحول ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران از بعد کالبدی و ارتباطی با روش نحو فضا نمونه موردی: خانه‌های دوره قاجاریه و پهلوی تبریز». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۷۲، صص. ۱۷-۳۲.

عباس زاده، مظفر و بهجت، حمید. (۱۳۹۹). «واکاوی ساختار معماری خانه‌های تاریخی و سنتی روستای سپورغان شهرستان ارومیه». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۹ (۱۷۰)، صص. ۶۷-۸۲.

کامی شیرازی، سیده مهسا؛ سلطان زاده، حسین و حبیب، فرخ. (۱۳۹۷). «تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه.ش». پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فصلنامه علمی پژوهشی، ۹ (۲)، صص. ۷۰-۳۳.

کیائی، مهدخت؛ سلطان زاده، حسین و حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۸). «سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا؛ مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین». باغ نظر، ۱۶ (۷۱)، صص. ۶۱-۷۶.

مداحی، سید مهدی و معماریان، غلامحسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل پیکره بندی فضایی خانه‌های بومی با رویکرد نحو فضا نمونه موردی: شهر بشرویه». مسکن و محیط روستا، ۱۵۶، صص. ۴۹-۶۶.

مرادی نسب، حسین. (۱۳۹۹). «تبیین جایگاه حریمیت در نسبت با قلمرو و خلوت در مسکن سنتی ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۹ (۱۲)، صص. ۴۷-۶۰.

وحدت طلب، مسعود و حیدری، شهرام. (۱۳۹۸). «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد». زن در فرهنگ و هنر. ۱۱ (۴)، صص. ۴۵۹-۴۷۹.

ورمقانی، حسنا و سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۷). «نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر». نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۲۳، صص. ۱۳۴-۱۲۳.

پایان‌نامه‌ها

ارباب معروف، آزاده. (۱۳۹۶). ارائه الگوهای طراحی مسکن معاصر ایران با بهره‌گیری از معماری مسکونی دوره پهلوی اول در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.